

با احترام؛ به استاد محمدعلی موحد

فیاض و تاریخ بیهقی

محمدجعفر یاحقی
دانشگاه فردوسی مشهد

نام دکتر علی اکبر فیاض با تاریخ بیهقی به نحوی گره خورده که بی درنگ یکی، دیگری را به یاد می آورد. این از آن روست که دکتر فیاض بیشتر از سی سال و در واقع همه عمر علمی خود را به صورتی تخصصی به تاریخ بیهقی و عمدتاً به تصحیح این متن پرداخت. او با دو چاپی که از این کتاب به دست داد ثابت کرد که می توان یک عمر در مورد کتابی همچون بیهقی تحقیق کرد، بدان نامبردار شد و در عین حال کار را در نیمه راه گذاشت.

علی اکبر مجیدی فیاض به سال ۱۲۷۷ در خانواده ای از سادات روحانی مشهد دیده به جهان گشود. پدر او سید عبدالمجید ثقة الاسلام خادم باشی آستان قدس رضوی بود. ابتدا به تحصیلات حوزوی روی آورد و از محضر استادانی مانند میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری، آقا بزرگ شهیدی و میرزا محمدباقر مدرس رضوی بهره برد و از محضر ابوالقاسم ازغندی فقه آموخت. از سال ۱۳۰۷ در فرهنگ شروع به کار کرد. در سال ۱۳۱۴ دانشسرای مقدماتی مشهد را تأسیس کرد و خود ریاست آن را برعهده گرفت. از سال ۱۳۱۸ به تهران رفت و در دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۲ دکترای خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران اخذ کرد. در سال ۱۳۲۷ به مصر رفت و مدتی در دانشگاه فاروق اول به تدریس زبان و ادبیات فارسی پرداخت. از سال ۱۳۳۴ مأموریت یافت تا دانشکده ادبیات مشهد را تأسیس کند که خود وی تا سال

۱۳۴۳ ریاست آن را برعهده داشت. او در تأسیس دانشکده معقول و منقول مشهد هم نقش بسزایی داشت و از سال ۱۳۳۷ با حفظ سمت به سرپرستی این دانشکده نیز منصوب شد. وی از سال ۱۳۴۳ به تهران بازگشت و به عنوان مدیرگروه ادیان دانشگاه تهران به خدمت خود ادامه داد تا این که در سال ۱۳۴۶ بازنشسته شد. از بهمن ۱۳۴۹ که دوره فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی به همت دکتر غلامحسین یوسفی در دانشگاه مشهد راه‌اندازی شد، دکتر فیاض تدریس تاریخ بیهقی و سیر عقائد و آراء اسلامی را در این مقطع برعهده گرفت. در شهریور همان سال مجلس بزرگداشت ابوالفضل بیهقی با حضور و میانمداری علمی دکتر فیاض در مشهد برگزار شد. یک سال بعد فیاض در چهارم شهریور ۱۳۵۰ در حالی که سرگرم تصحیح تاریخ بیهقی بود، دیده از جهان فرویست.

دکتر علی‌اکبر فیاض از نادرگان تاریخ و ادب خراسان بود که نامش در دانشگاه فردوسی مشهد با نام دانشکده ادبیات قرین و یادش با خاطرات سال‌های تأسیس این دانشکده درآمیخته است. فیاض تا سال ۱۳۴۳ به مدت نه سال ریاست این دانشکده را برعهده داشت. وی در آغاز به رغم تقاضاها و فشارهای زیاد توانست با انتخاب افراد فاضل و شایسته، بنیاد محکمی در این مؤسسه نوپای آموزشی بگذارد (*ز باغ قصر تا قصر آرزوها*، ۳۸۲ و ۵۲) و با این کار، مطالعات دانشگاهی و بینش علمی را در خراسان بر پایه محکمی استوار کند، که حاصل آن تربیت افرادی شایسته و علمی و کار آمد بود که برخی از آنها بعدها زمامداران علمی کشور شدند (همان، ص ۵۱ به بعد). خود او با تدریس در بخش‌های ادبیات و تاریخ و تربیت شاگردان مبرز در این دو رشته گام‌های بلندی در راه استقرار دانش و فرهنگ در مشهد برداشت. کافی است بدانیم دکتر علی شریعتی، که آن سال‌ها در رشته زبان و ادبیات فارسی این دانشکده مشغول به تحصیل بود، پایان‌نامه تحصیلی لیسانس خود را زیر نظر استاد فیاض گذراند که اندکی بعد تحت عنوان *در نقد و ادب* با مقدمه کوتاهی از دکتر غلامحسین یوسفی به چاپ رسید (مشهد، کتابفروشی باستان، ۱۳۴۶). ^۱ نه سال دوران ریاست با اقتدار فیاض بر دانشکده ادبیات، شالوده دانشگاه مشهد را چنان استوار کرد که بعدها نام و آوازه این دانشگاه و علی‌الخصوص دانشکده ادبیات آن با جذب و جلب همکاری

استادان و محققان بنام اعتبار و آوازه‌ای جهانی یافت و شعاع تولیدات علمی آن به اقصای عالم رسید.

دکتر فیاض در بنیانگذاری دانشکده معقول و منقول (الهیات امروز) مشهد نیز سهمی بسزا داشت و مدتی همزمان با ریاست دانشکده ادبیات سرپرستی و تدریس علوم اسلامی آن دانشکده را هم برعهده داشت. فیاض در سال ۱۳۴۳ به تهران بازگشت و خدمات دانشگاهی خود را به عنوان مدیر گروه ادیان و مذاهب دانشکده الهیات و معارف اسلامی تهران ادامه داد، تا این که در سال ۱۳۴۶ به افتخار بازنشستگی نائل آمد. در این مدت با بخش فرهنگی آستان قدس همکاری می‌کرد و از آن جمله مدتی ریاست هیأت تحریریه *نامه آستان قدس* را بر عهده داشت.

در این مجال اندک بنا ندارم به میزان دانش و فضائل و خلیقات دکتر فیاض، که خود از نزدیک بر بسیاری از آنها وقوف داشتیم، اشاره‌ای بکنم خاصه که مقاله عالمانه شادروان دکتر غلامحسین یوسفی (*یادنامه شادروان دکتر علی اکبر فیاض*، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، ش. چهارم، س. هفتم، زمستان ۱۳۵۰، صص ۷۱۶ - ۷۰۸) و وقوف شایسته‌تری که آن مرحوم به این موضوع داشت، مرا از پرداختن به این امر بی‌نیاز می‌کند. با این حال به یکی دو چشمه از فضائل و دقت‌های علمی آن زنده یاد اشاره می‌کنم و به اصل موضوع می‌پردازم:

دکتر فیاض علاوه بر عربیت و احاطه بر دقائق زبان فارسی به این نکته پی برده بود که برای پاسخ دادن به پرسش‌هایی که در درون خود او و نسل جدیدی که به دنیای نو گام گذاشته بود، سربرآورده، به این دو زبان نمی‌توان اکتفاء کرد. او روش علوم قدیم و وسعت دانش پیشینیان را با شیوه‌های نوین علمی غرب درهم آمیخته و اسلوب استوار و بدیعی در تحقیقات تاریخی و نقد ادبی ایجاد کرده بود. برای رسیدن به این مهم به آموختن زبان‌های فرنگی همت گماشت آن هم در روزگاری که دسترسی به کتاب و معلم در این رشته چندان آسان نبود. به ویژه که این کار با کسوت روحانی که وی در آغاز داشت چندان سازواری نداشت و نوعی بدعت و خرق عادت به شمار می‌آمد. با این حال او بر همه این موانع فائق آمد و به تدریج در این مسیر پیش رفت. زبان و ادبیات فرانسوی را خوب فراگرفت و از زبان‌های روسی، انگلیسی، آلمانی و لاتینی نیز در مطالعات

خود سود می‌برد (از باغ قصر تا قصر آرزوها، ۴۱/۲) از اینها گذشته چنان که خواهیم دید او به فراگرفتن زبان چینی هم روی آورده بود (همان جا) و از این طریق مشکلات علمی خود را رفع مشکل می‌کرد. در مورد آگاهی او از زبان‌های لاتین و یونانی خود من در کتابخانه آستان قدس ناظر بودم که وقتی می‌خواستند تکلیف موضوع و محتوای چند کتاب لاتینی و یونانی را روشن کنند از دکتر فیاض برای انجام این مهم دعوت شده بود و او در تصفحی که در این کتاب‌ها داشت بی‌هیچ تردید و صرف وقت اضافه‌ای به حاجت فهرست‌نگاران و کتابداران پاسخ گفت.

اما از وجوه علمی کار وی همین بس که زمانی که مقاله خبری از مشهد هزار سال پیش به قلم فیاض در شماره سوم دوره هشتم نامه آستان قدس در مشهد منتشر شد، خبر چنان علمی و مقاله تا آن پایه سخته و استوار بود، که مجله راهنمای کتاب (س چهاردهم، ۱۳۵۰، صص ۲۶۷-۲۵۷) بی‌کم و کاست آن را در ردیف مقاله‌های علمی خود دوباره چاپ کرد و خوانندگان خود را، که در همه جوامع علمی داخل و خارج منتظرش بودند، از این پژوهش سنجیده و خبرتازه برخوردار ساخت. دقت عالمانه فیاض در این مقاله، که با الهام از وقف‌نامه یک قرآن خطی محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی، پرتوهایی بر روی خاندان واقف آن، ابوالقاسم کثیر، که به دستگاه سیمجوریان و بعد هم غزنویان انتساب داشتند، افکنده و در واقع گوشه‌ای از تاریخ خراسان و به ویژه آستان قدس رضوی را روشن کرده بود، چیزی که اینک پس از گذشت بیش از چهار دهه با همه کاوش‌ها و پژوهش‌هایی که در داخل و خارج از ایران در تاریخ این دوره صورت گرفته است، گمان نمی‌کنم حتی یک کلمه بر آن افزوده شده باشد.

مطلبی که دکتر فیاض در مجلس بزرگداشت ابوالفضل بیهقی در روزهای پایانی شهریور ۱۳۴۹، در مورد نسخه‌های خطی تاریخ بیهقی قرائت کرد و اندکی بعد در یادنامه ابوالفضل بیهقی (صص ۴۰۵-۳۹۷) به چاپ رسید، چنان پخته و جامع بود که به جای مقدمه در آغاز چاپ تازه دانشگاه فردوسی از تاریخ بیهقی به اهتمام دکتر علی‌اکبر فیاض (مشهد، ۱۳۵۰) گذاشته شد و به همراه یادنامه بیهقی بارها تجدید چاپ شد.

دلایلی که فیاض در این مقاله برای فقدان نسخه‌های کهن از بیهقی اقامه

کرده و بر غلطکاری‌ها و تصرفات بی‌وجه کاتبان انگشت گذاشته و یا دسته‌بندی این نسخه‌ها به دو گروه هندی و ایرانی - هرچند که قبلاً سعید نفیسی هم چنین تقسیم‌بندی کرده بود - از آگاهی ژرف و تأمل سی‌ساله فیاض در دستنویس‌های بیهقی حکایت می‌کند. بنابراین اگر تاریخ بیهقی چاپ فیاض تا همین اواخر صرف نظر از پاره‌ای اشکالات و ناروشنی‌های متن، به ویژه در اشعار عربی، اعلام، اماکن جغرافیایی و نحو برخی از جملات، بالاخره به عنوان متنی کامیاب و دلپذیر در دسترس و مورد استفاده همگان بوده، از برکت کوشش و دانش فیاض بوده است؛ برای آن که وی با آگاهی لازم و اجتهاد کامل علمی توانسته است خطاهای فاحش و ناروشنی‌هایی را که نسخه‌ها تقریباً بر آن اتفاق یا حتی به کلی در آن اختلاف داشته‌اند، تشخیص بدهد و بسیاری را با درایت علمی خود به صورت تصحیح قیاسی حل کند.

تعلیقات تاریخ بیهقی در چاپ استاد فیاض ناقص است و تنها تا صفحه ۲۲۳ متن وی را دربرمی‌گیرد؛ که به علت فشرده‌نویسی فقط ۲۰ صفحه از چاپ دانشگاه فردوسی (صص ۹۱۳ - ۹۶۴) را به خود اختصاص می‌دهد. اگر متن تعلیقات حتی به همین سیاق تا آخر ادامه می‌یافت، بسیاری از ابهام‌ها و اشکالات کتاب حل می‌شد و غنیمت بزرگی از پژوهش ادبی و تاریخی و دقت عالمانه در متن شناسی پیش روی ما بود. دریغ که عمر استاد فیاض دیر نیاید و به تکمیل تعلیقات سودمند کتاب توفیق نیافت. در همین بیست صفحه ده‌ها نکته تازه نظرخواننده را به خود جلب می‌کند. کافی است به توضیحات وی در مواردی از قبیل «رتبیل» (ص ۳ متن/ ۹۶۴ تعلیقات)، «سپاه‌داران» (ص ۲۵ متن/ ۹۶۶ تعلیقات)، «کوروالشت» (ص ۱۴ متن/ ۹۷۰ تعلیقات)؛ «وی» به عنوان نام یک ناحیت (ص ۱۳۹ متن/ ۹۷۱ تعلیقات) و... یا در حواشی صفحات متن به موردهایی مانند پانویس صفحات ۶۲، ۶۷، ۸۷، ۲۲۵، ۳۴۲، ۵۵۱، و... نظری بیفکنیم تا به گوشه‌ای از دقت و انصاف علمی مصحح کتاب پی ببریم. بر اثر همین دقت‌ها بود که فیاض به تحریف و تصحیف‌های نسخه‌ها پی برده و در بسیاری از موارد مانند صفحات ۵۰، ۱۳۵، ۷۰۷، ۷۱۲، ۷۱۴ و موارد متعدد دیگر، تاریخ‌هایی را که بر اثر سهو یا بدخوانی و سهل‌انگاری کاتبان مخدوش شده، با تطبیق تواریخ و جست و جوی‌های گاه‌شماری تصحیح کرده است. هر چند که بعدها متوجه شدم که فیاض در این

گونه موارد از نسخه حاشیه‌نویسی شده محمدعلی جواهری - عموی محمود فرخ - که در اختیار وی بود، استفاده شایانی برده است. با همه این احوال وجود جملات و عباراتی از قبیل: «من نمی‌دانم» و «برمن روشن نیست» و نظایر آنها که در حواشی کتاب کم هم نیست، از انصاف عالمانه و وسعت دانش و تتبع مصحح حکایت می‌کند.

فیاض تقریباً هیچ کار عمده دیگری جز تصحیح تاریخ بیهقی نکرد و شوقی هم برای کار دیگری از خود نشان نداد (فهرست کتاب‌ها و مقالات او در ص ۷۲۰ شماره چهارم سال هفتم مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی آمده است)؛ اما با همین کار ناقص به چنان اعتباری دست یافت که امروز به حق او را باید جزو معدود دانشمندان طراز اول خراسان، اگر نه ایران، به حساب آورد. نه تاریخ اسلام او در بین معدود کتاب‌هایی که در این زمینه به زبان فارسی موجود است اهمیتی یافته، نه فهرستی که از کتب منطق کتابخانه آستان قدس به نام او باقی است توانسته در بین فهرست‌های موجود اعتباری حتی همپای فهرست‌های متوسط دیگر پیدا کند. از فیاض، غیر از یکی دو مورد پیش گفته، حتی مقالات مهم و چندان جدی هم باقی نمانده تا بتوان گفت که او حرف‌های اساسی‌اش را در آنها مطرح کرده است. بهترین مقالات او همان «نسخه‌های خطی تاریخ بیهقی» است که چنان که گفتیم ابتدا در یادنامه بیهقی آمده و بعد هم در مقدمه تاریخ بیهقی (دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۵۰) تجدید چاپ شده است و همچنین مقاله‌ای با عنوان خبری از مشهد هزار سال پیش که ابتدا در نامه آستان قدس (دوره هشتم ش سوم، ص ۱ - ۱۴) به چاپ رسید و بعد هم بلافاصله در مجله راهنمای کتاب (سال چهاردهم، ش ۴ و ۵ و ۶، ص ۲۵۷ - ۲۶۷) تجدید چاپ شد. مجموعه مقاله، نقد و نظرها، تقریظ‌ها، مقدمه‌ها و سخنرانی‌های او به اضافه یادداشت‌ها و مقالاتی که بعد از مرگ درباره او نوشته شده، بعدها در کتاب کوچکی با عنوان چشمه فیاض (گردآوری محمد عظیمی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۳) یکجا منتشر شده است.

پس اگر پرسند چه چیز علی‌اکبر فیاض را «استاد فیاض» کرد؟ بی‌درنگ و با اطمینان باید بگوییم: تصحیح تاریخ بیهقی. اگر بخواهیم میزان تخصص او در تاریخ بیهقی و صلاحیت مطلق وی را در تصحیح این کتاب نشان بدهیم، کافی است از دیدگاه یک متخصص به تاریخ بیهقی تصحیح او و دریافت‌ها و

تصحیحات قیاسی وی در مطاوی صفحات این کتاب نظری بیندازیم و ببینیم که چگونه با نداشتن نسخه‌ای مضبوط و به درد بخور توانسته است متنی از تاریخ بیهقی به دست دهد که خواص بپسندند و عوام از آن لذت ببرند. من تردیدی ندارم که اگر فیاض به نیمی از امکاناتی که ما امروز به برکت تکنولوژی نوین و اطلاع‌رسانی و تسهیلات کتابخانه‌ای جدید در اختیار داریم، دسترسی می‌داشت، او سال‌ها پیش به تن خویش چایی به مراتب بهتر و علمی‌تر از آنچه که ما امروز به دست داده‌ایم (تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱) منتشر و همگان را از تحقیقات بعدی بی‌نیاز می‌کرد.

اما چطور شد که فیاض به تاریخ بیهقی پرداخت؟ اشاره‌ای به پیشینه موضوع بی‌مناسبت نخواهد بود. علی‌اکبر فیاض پس از تکمیل تحصیلات حوزوی در رشته معقول و منقول از سال ۱۳۰۷ به سمت دبیر در فرهنگ خراسان استخدام شد و در دبیرستان شاهرضای مشهد به تدریس پرداخت. اما چندی بعد به مناسبتی تصمیم به ادامه تحصیل گرفت و دیپلم رسمی گرفت و برای ورود به دانشگاه و تحصیلات عالی به تهران رفت و از دانشسرای عالی لیسانس گرفت و به دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران وارد شد و در سال ۱۳۲۲ از رساله دکتری خود دفاع کرد.

فیاض ظاهراً از زمان تحصیل در مشهد با دکتر قاسم غنی آشنا و در تهران برای رفتن به دانشگاه از وی کمک خواسته بود. دکتر غنی که به مراتب فضل فیاض آگاهی داشت، در این امر به وی کمک کرده بود. در همین سال‌ها بود که وزارت فرهنگ از دکتر غنی و فیاض خواسته بود که گزیده‌ای از تاریخ بیهقی برای تدریس در دبیرستان‌ها فراهم آورند؛ اما این دو «بدون این که ما بازمادای توقع داشته باشند» تصحیح انتقادی تمام کتاب را برعهده می‌گیرند. تقریباً مسلم است که دکتر غنی با نفوذ و آشنایی‌هایی که با وزیر فرهنگ وقت، اسماعیل مرآت، داشته در گرفتن بودجه از وزارت فرهنگ برای تصحیح این کتاب و همچنین دیوان حافظ، که با محمد قزوینی تصحیح کرده، مؤثر بوده است.

ارتباط و رفاقت دکتر غنی با فیاض از حد تصحیح مشترک تاریخ بیهقی بسیار فراتر رفته بود. دکتر غنی چهار دوره (دوره‌های ده تا سیزده) نماینده مشهد در مجلس شورای ملی بود. حدس زده‌اند که انتخاب دکتر فیاض به نمایندگی بعد

از دکترغنی در انتخابات دو دوره پایانی عصر رضاشاه (دوره‌های دوازدهم و سیزدهم)، از سوی مردم مشهد «تحت تأثیر مستقیم دکتر غنی بود» و شاید هم به سفارش وی. همچنین «مقدمت سفر دکتر فیاض به مصر هم در زمان سفارت دکتر غنی در مصر فراهم شد» (حسن امین، «دکتر قاسم غنی و دکتر علی‌اکبر فیاض»، ماهنامه حافظ، ۱۳، فروردین ۱۳۸۴، ص ۴۱). همین ارتباط و دوستی نزدیک این دو سبب شد که دکترغنی بارها در یادداشت‌های خود به مناسبت از دکتر فیاض به نیکی یاد کرده است (ازجمله ۱/ص ۱۵۶؛ ۴/۶۲۳). علاوه بر این یادکردها چند نامه به قلم دکتر فیاض خطاب به دکتر غنی در مجموعه یادداشت‌های دکتر قاسم غنی برجای مانده که هم روابط صمیمانه و حتی احترام‌آمیز فیاض نسبت به دکتر غنی را نشان می‌دهد و هم گوشه‌هایی از زندگی و اعتقادات و علائق فیاض را روشن می‌کند.

در یکی از این نامه‌ها (یادداشت‌های دکتر قاسم غنی، ۵۱۱/۶ - ۵۰۹) که دکتر فیاض به تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۲۷ از تهران برای دکتر غنی به قاهره می‌فرستد این گونه از پیشنهادی که به او شده استقبال می‌کند: «قربان حضور مبارکت شوم، نامه گرامی را زیارت کردم موضوعی که پیشنهاد فرموده بودید مژده‌یی بود برای بنده در خور جان‌فشانی زیرا وسیله‌ای است که بار دیگر از فیض دیدار جانفزا و صحبت روح‌بخش حضرت عالی بهره‌مند بشوم»، که به گمان بنده باید پیشنهاد رفتن دکتر فیاض به دانشگاه عین‌الشمس برای تدریس تاریخ ادبیات فارسی باشد. پس از این ابراز شادمانی دکتر فیاض در این نامه از این پیشنهاد به نهایت اظهارخرسندی می‌کند و می‌گوید: «مدارک و اسنادی را که فرموده بودید به زودی تهیه و حضورتان خواهم فرستاد» و بعد به ضعف مزاج ناشی از کار زیاد اشاره می‌کند و نگران است که «به واسطه غم‌انگیزی اوضاع و ناتوانی‌هایی که دارم نمی‌دانم با آب و هوای آنجا و تغییر زندگانی چه خواهد شد» و می‌افزاید که «به همین دلیل در این چند سال که راه‌های مسافرت به روی همه باز شده مسافرتی نکرده و به قول لافونتن پای اجاق‌خانه را ول نکرده‌ام و به همین زندگانی تحس و نحس ساخته‌ام».

در بند دیگری از این نامه فیاض در پاسخ استفسار دکترغنی در مورد اشتغالش در دانشگاه می‌نویسد: «از طرف دانشگاه درس ملل و نحل دانشکده معقول را متصدی هستم... تاریخ اسلام و فارسی مدرسه را نیز عهده دارم... و

تحقیقات زیادی مخصوصاً راجع به فرق شیعه کرده‌ام که فعلاً به صورت یادداشت و فیش است». فیاض در این نامه اشاره می‌کند که «مطالعه در مسائل دینی را چون فعلاً جنبه دیگری غیر از علم پیدا کرده است ترک کرده‌ام و در این باب به کلی سرد شده‌ام و برای آن که مخرجی برای انرژی روحی خودم داشته باشم به ادبیات اروپایی پرداخته‌ام... بنده در طی این تحقیقات ملل و نحل متوجه شدم که مطالب زیاد با علما و محققین آلمانی سروکار پیدا می‌کند بدین جهت به فراگرفتن زبان آلمانی مشغول شدم. از طرف دیگر در ضمن مطالعه ادبیات اروپایی متوجه اهمیت زبان و ادبیات یونانی قدیم شدم و از حسن اتفاق در این اوقات با کشیشی فرانسوی از فرقه سن لازار قدیم آشنا شدم و در محضر آن شریعت‌مآب مقلداتی از زبان یونانی خواندم به طوری که فعلاً از متون افلاطون مستقیماً استفاده می‌کنم و غنیمت بود زیرا دنیای معاصر که واقعاً هیچ زیبایی ندارد باید باز پیش قدمای رفت و در زیر چنارهای بیرون شهر آتن به مجلس سقراط و فدون نشست و این مردم را به کلی فراموش کرد».

گلایه دکتر فیاض از روزگار و ابنای آن کاملاً سیاسی و ناظر به وقایع آن سالهاست. او در نامه‌ای دیگر که در ۲۲ فروردین ۱۳۳۰ از تهران برای دکتر غنی می‌فرستد، (همان کتاب ۴۸۱/۷) کاملاً این نارضایتی سیاسی خود را علنی می‌کند و می‌نویسد: «زمامداران کشور ما بعد از شهریور ۲۰ به فکر این کشور نبودند و غم خوب و بد ما را نداشتند و فقط به فکر خودشان بودند که چگونه وظیفه نوکری خودشان را در پیشگاه خارجی‌ها انجام دهند یعنی دل ارباب‌ها را چه طور به دست بیاورند که مزد بهتر و زیادتر بگیرند». دکتر فیاض در خلال این نامه به نکته بدیعی در مورد وزن شعر فارسی اشاره می‌کند که هر چند به کار ما مربوط نیست اما چون خیلی مهم است و تاکنون کسی به این صورت متعرض آن نشده است عین عبارت وی را در اینجا نقل می‌کنم: «مطلب دیگری که این بنده در طی تحقیق راجع به شعر فارسی و اوزان عروضی آن از روی قرائنی به این خیال رسیدم که شاید از شعر چینی تأثیری در اوزان فارسی راه یافته باشد و این تأثیر از راه سغد و ترکستان آمده باشد. مؤید این حدس یکی تأثیر نقاشی چینی است در نقاشی ایرانی و دیگری پیدایش وزن رباعی در بخارا که افسانه‌ای راجع به آن هم داریم به این جهات تصور می‌کنم کسب اطلاعاتی از شعر چینی و اوزان آن

شاید مفید باشد و می دانم که شرق شناسان آمریکایی در این باب کارهایی کرده اند. استدعا می کنم اگر ممکن است در این باب بنده را روشن بفرمایید و اگر کتابی در این موضوع می توان یافت [شعر چینی] ارسال بفرمایید فوق العاده ممنون خواهم شد.

فیاض در نامه دیگری که بلافاصله پس از این نامه در صفحات ۴۸۳ تا ۴۸۴ همان مجلد چاپ شده، به این قضیه شعر چینی اشاره می کند و می نویسد: «در باب شعر چینی خیلی متشکرم ولی بیش از این راضی به زحمت نیستم اگر اسباب فراهم نیست نباید خودتان را ناراحت بفرمایید» معلوم می شود دکتر غنی تلاش می کرده که در خصوص این موضوع منبعی دست و پا کند ولی موفق نمی شده است. نکته ای که فیاض در خصوص ارتباط شعر فارسی با چینی به آن پی برده بعدها از سوی محققان تأیید شد و در ارتباط رباعی با هایکو مورد تأکید قرار گرفت.

به اصل مطلب بازگردیم. چاپ موسوم به غنی - فیاض سرانجام در سال ۱۳۲۴ به سرمایه وزارت فرهنگ در چاپخانه بانک ملی به طبع رسید. این تصحیح چنان که در مقدمه یادآور شده اند، با استفاده از دو چاپ کلکته و طهران و مقایسه آنها با دو نسخه خطی دیگر فراهم آمده است. این چاپ به گواهی مقدمه (ص ی)، چنان که پیش از این گفتیم، به سفارش وزارت فرهنگ برای مطالعه دانشجویان مدارس فراهم آمده و قرار بوده تنها منتخباتی از تاریخ بیهقی باشد که بعد در حین کار به نشر متن کامل بیهقی انجامیده است. کتاب دارای مقدمه ای است به امضای دکتر علی اکبر فیاض (و نه مشترک با دکتر غنی)، که در آن روش کار خود را بر شمرده و یادآور شده که براساس دو چاپ کلکته و طهران و همچنین دو نسخه خطی یکی متعلق به مدرسه فاضلیه مشهد با رمز «فا» و یکی متعلق به کتابخانه مجلس مورخ ۱۲۶۵ با رمز «مج» فراهم آمده است. مصححان با همه کوششی که کرده بودند غیر از اینها نسخه دیگری نیافته بودند و این نسخه ها هم چنان نبوده که بتوانند یکی را اساس قرار دهند بنابراین روش التقاطی را برای تصحیح کتاب مناسب تشخیص داده اند (ص بیج). لازم به یادآوری است که نسخه «فا» متعلق به مدرسه فاضلیه مشهد که فیاض از آن نام برده همان است که ما در چاپ ۱۳۸۸ انتشارات سخن با نام اختصاری «C» مورد استفاده قرار داده

و در مقدمه جلد اول (ص صد و یازده) به معرفی اجمالی آن پرداخته‌ایم اما نسخه «مج» فیاض در حیطه شناسایی ما قرار نگرفته است. در مقدمه تصریح شده با آن که نظر وزارت فرهنگ در چاپ این کتاب بیشتر به طرف دانشجویان و رفع حاجت ایشان بوده است، معه‌ذا وسواس آنان سبب شده که باز هم قسمت عمده‌ای از نسخه بدل‌ها را در حواشی ذکر کنند. بر این چاپ حواشی و تعلیقات سودمندی نیز با رعایت جانب ایجاز افزوده شده که منابع کهن و عمده کار را هم در مقدمه ذکر کرده‌اند. مشکل مهم تحقیق آنان اسامی غریب جغرافیایی بوده که اتفاقاً در کتاب بیهقی فراوان است و به رغم زحمت زیادی که کشیده‌اند برخی از آنها ناروشن باقی مانده است. در کار تعلیق نویسی هم از حواشی ادیب به قدر امکان بهره برده‌اند حتی آنجا که مأخذ کار وی هم در اختیار بوده به دلیل حفظ امانت باز هم آوردن عین عبارت مُحشی اولیه را ترجیح داده، اما برای رعایت جانب اختصار برخی یادداشت‌های جغرافیایی را حذف کرده‌اند. با این حال توضیحات این چاپ حتی در چاپ بعدی فیاض هم مورد استفاده قرار گرفته است. ما هم در تعلیقات چاپ خود با ذکر مأخذ از آن بهره فراوان بردیم.

این چاپ علاوه بر حواشی و تعلیقات دارای چندین فهرست از جمله فهرست اسامی اشخاص، فهرست امکانه و قبایل، فهرست موضوعات حواشی و غلط‌نامه‌ای مبسوط است که از روشمندی کار مصححان در آن سال‌های آغازین حکایت می‌کند.

از دکتر علی‌اکبر فیاض مطلب کوتاه دیگری در مورد بیهقی منتشر شده (برای نخستین بار در یادنامه علامه امینی، به اهتمام دکتر سیدجعفر شهیدی و محمدرضا حکیمی، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۵۲؛ و بعد در چشمه فیاض، ص ۱۸۳-۱۷۶)، که گوشه‌ای دیگر از اهتمام او به تاریخ بیهقی را نشان می‌دهد. محمد گلبن در میان یادداشت‌های پراکنده ملک‌الشعراء بهار نوشته ناقصی از دکتر فیاض یافته که در مورد نثر بیهقی نوشته شده است. گلبن حدس زده است «هنگامی که استاد بهار سرگرم فراهم آوردن مواد برای تألیف سبک‌شناسی بوده، از دکتر فیاض خواسته است تا نظر خود را در مورد چگونگی نثر بیهقی بنویسد که او نوشته اما جایی به چاپ نرسیده است. و شاید این نوشته را دکتر فیاض، در رساله‌ای که درباره بیهقی نوشته بوده آورده

باشد. وی در پانویس صفحه «و» مقدمه چاپ اول بیهقی می‌نویسد: «چون بنای این مقدمه» بر اختصار بود بیش از این در این موضوع بحث نکردیم. خواننده را به رساله جداگانه نگارنده، موسوم به «بیهقی و تاریخ» که آماده طبع است ارجاع می‌دهم» (نقل از: محمد عظیمی، چشمه فیاض، مشهد، ۱۳۸۳، ص ۱۷۶). ظاهراً و چنان که دکتر شفیعی کدکنی می‌گفتند نسخه دستنویس این رساله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بوده که متأسفانه گم شده است.

به نظر می‌رسد فیاض پس از انتشار تاریخ بیهقی به سال ۱۳۲۴ همچنان به جدّ پیگیر نسخه‌های بیهقی بوده و تعدادی را هم از گوشه و کنار برای تدارک چاپ جدید خود فراهم آورده بوده است. در این فاصله مقاله «نسخه‌های خطی تاریخ بیهقی»، که متن سخنرانی او در مجلس بزرگداشت ابوالفضل بیهقی (مشهد، شهریور ۱۳۴۹) بود، هم براساس همین اطلاعات به قلم آمده و ظاهراً وی معرفی تفصیلی و نسخه شناسانه دستنویس‌ها را گذاشته بوده است برای مقدمه چاپ دانشگاه، غافل که اجل همواره در کمین است، چرا که فیاض از بخت بد در میانه کار و پیش از آن که متن کتاب به تمامی چاپ شود، به دیدار حق شتافت بدون آن که رمز نسخه‌های خود را مشخص کند یا حتی یک برگه کوچک در معرفی آنها از خود به جای بگذارد (بیهقی، ۱۳۵۰، ص ده). به این ترتیب پنجمین تصحیح (بعد از چاپ‌های کلکته، ادیب، سعید نفیسی و چاپ موسوم به غنی فیاض) از تاریخ بیهقی به تصحیح علی‌اکبر فیاض هم بدون معرفی نسخه‌ها و یا کوچکترین مقدمه‌ای چند ماه بعد از فوت مصحح دانشمند آن به بازار آمد (انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۵۰).

با علائمی که استاد فیاض برای نسخه‌های خطی تصحیح جدید خود در حواشی چاپ دانشگاه به دست داده است بر روی هم از ۱۲ نسخه با علائم اختصاری: A B C D E F G H K M N O استفاده شده است که اغلب آنها را ما شناسایی کرده و تصویری از آن در اختیار داریم. چاپ ۱۳۵۰ فیاض که بعدها چندین بار تجدید شده و بارها هم دیگران از روی آن به نام وی یا به نام خود به نشر چندباره آن اقدام کرده‌اند، فاقد مقدمه است یعنی فیاض پیش از آن که به نوشتن مقدمه توفیق یابد به دیدار حق شتافت و کتاب عملاً بعد از مرگ وی منتشر گردید. بنابراین چنان که گفتیم کوچک‌ترین اطلاعی درباره نسخه‌ها و

شیوه تصحیح و چند و چون کار وی در دست نیست. مسئولان وقت دانشکده ایات مشهد مقاله «نسخه‌های خطی تاریخ بیهقی» را که فیاض در مجلس بزرگداشت ابوالفضل بیهقی قرائت کرد، در مقدمه کتاب گذاشته‌اند.

به دلیل در دست نبودن نسخه‌ای منقح، فیاض در این چاپ هم شیوه التقاطی را برای تصحیح تاریخ بیهقی برگزیده است به این معنی که هر ضبطی را که از هر نسخه درست تشخیص داده در متن آورده و بقیه را به زیرنویس منتقل کرده است. در این گزینش اتکای فیاض به نسخه A (چاپ ادیب پیشاوری، طهران، ۱۳۰۷) از حد معمول بیشتر بوده و مخصوصاً بخش‌های ناروشن نسخه‌ها و عبارات و اشعار عربی را منحصراً براساس چاپ ادیب تصحیح کرده است. علاوه بر نقل نسخه بدل‌ها به صورت گزینشی توضیحات روشن‌گر نسخه‌شناسی و لغوی و زبانی فراوانی نیز در حواشی آورده است که البته برای فهم بهتر متن سودمند بوده است اما ممکن است برخی ترجیح بدهند جای این گونه توضیحات، تعلیقات باشد نه پانویس صفحات.

در جمع نسخه‌های فیاض برای تصحیح تاریخ بیهقی یک نسخه تحفه و سوگلی (یعنی نسخه گجرات با رمز) وجود داشته که در چند مورد برای وی گره‌گشایی کرده و براساس آن به حلّ پاره‌ای از دشواری‌های چاپ‌های پیشین توفیق یافته است اما چون کاتب نسخه، کم‌سواد و با فضای کتاب ناآشنا بوده و در دستنویس وی غلط‌های فراوانی دیده می‌شود و سایر نسخه‌ها هم هیچ‌کدام هم با آن همخوانی نداشته، مصحح نتوانسته است به آن اعتماد کند؛ در مقابل، فیاض از نسخه M - که نسخه‌ای ضعیف و بی‌اعتبار است - بسیار و بیشتر از حدّ آن استفاده برده و ضبط‌های نامطمئن آن را در متن وارد کرده و یا پانویس‌ها را بی‌جهت از آن انباشته است.

کشف هفت مورد از رمزهای به کار گرفته شده از سوی فیاض برای دستنویس‌ها پس از مطالعه دقیق و مقایسه واژه به واژه این نسخه‌ها با حواشی چاپ فیاض برای ما میسر شد. به این ترتیب که متوجه شدیم که نسخه A همان چاپ سنگی طهران به تصحیح و حواشی سید احمد ادیب پیشاوری و نسخه B همان چاپ مورلی (کلکته) و بقیه نسخه‌های خطی دیگری است که پنج‌تای آنها بر ما روشن شد اما به کشف پنج‌تای باقی مانده یعنی نسخه‌های: D E H K O

توفیق نیافتیم؛ یعنی در میان نسخه‌هایی که ما شناسایی کرده‌ایم چنین نسخه‌هایی دیده نمی‌شود هرچند در مورد سه نسخه E H O به دلیل آن که در چاپ فیاض بسیار کم مورد استفاده بوده و در پانویسها ضبط آنها به ندرت داده شده است، امکان مقایسه دقیق‌تر با نسخه‌های ما فراهم نشد، و گرنه بعید نیست که آنها را هم بتوان در میان نسخه‌های موجود یافت.

از دقت در حواشی فیاض و مقایسه نسخه‌ها با مواردی که ضبط آنها در پاورقی‌های وی داده شده است، بر ما مسلم شد که سه نسخه E H O برای فیاض اهمیتی نداشته و ظاهراً تحریر دیگری از سایر نسخه‌ها بوده است برای آن که وی تنها در چند صفحه نخست چند مورد اختلاف آنها را در حاشیه داده و بعد هم آنها را به کلی کنار گذاشته است. در نتیجه تنها دو نسخه D و K از نسخه‌های فیاض ظاهراً اهمیت داشته که تا کنون در حیز شناسایی ما قرار نگرفته است.

تعلیقات سودمند و روشنگری که برای موارد مبهم کتاب فراهم آمده و در پایان به چاپ رسیده ناتمام و همان مقدار که هست بسیار مفید و مختصر و جمعاً ۲۰ صفحه بیشتر نیست که تنها تا صفحه ۲۲۳ متن اصلی را می‌پوشاند. این تعلیقات هم بر مبنای پانویس‌ها و تعلیقات چاپ مشترک وی با دکتر غنی (۱۳۲۴) بوده که البته تکمیل و گاه تصحیح شده است. دریغ که دنباله این تعلیقات نانوشته ماند و خوانندگان تاریخ بیهقی از خرمن دانش و آگاهی‌های سودمند و کارگشای فیاض محروم ماندند. فهرست‌های اسامی اشخاص و امکانه و قبایل که در پایان این چاپ آمده هم بعد از مرگ وی و زیر نظر دکتر جلال متینی رئیس وقت دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد فراهم آمده است. جای فهرست لغات و ترکیبات در چاپ اول کتاب خالی بود که به پیشنهاد من و بر دست خود من تهیه و با تأیید دکتر متینی از چاپ دوم (سال ۱۳۵۶) به آخر آن افزوده شد و به تدریج تکمیل‌تر گردید.

تمام مطالعاتی که بعد از چاپ فیاض درباره تاریخ بیهقی انجام شده همگی بدون استثنا مدیون دانش و آگاهی علی‌اکبر فیاض از تاریخ بیهقی است. حتی چاپ انتقادی بعدی هم که از این کتاب به بازار آمده در سایه دانش گسترده وی و در پرتو راهی بوده است که او در عرصه بیهقی پژوهی به روی دوستداران زبان و محققان تاریخ و ادب فارسی گشوده است.

کتابنامه

- ۱ - امین، حسن، «دکتر قاسم غنی و دکتر علی اکبر فیاض، همکاری در تصحیح تاریخ بیهقی»، ماهنامه حافظ ۱۳، فروردین ۱۳۸۴.
 - ۲ - بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین، تاریخ بیهقی، به اهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض، متن مصحح و کامل با حواشی و تعلیقات و فهرست‌ها، تهران، چاپخانه بانک ملی، تهران ۱۳۲۴.
 - ۳ - _____، تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۵۰.
 - ۴ - _____، تاریخ بیهقی، با تصحیح، مقدمه، توضیحات و تعلیقات، دکتر محمدجعفر یاحقی - مهدی سیدی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۸.
 - ۵ - غنی، قاسم، یادداشت‌های دکتر قاسم غنی، به کوشش دکتر سیروس غنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۷.
 - ۶ - فیاض، علی اکبر، چشمه فیاض، به کوشش محمد عظیمی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۳.
 - ۷ - گلشن آزادی، علی اکبر، صد سال شعر خراسان، به کوشش احمد کمال پور، مشهد، مرکز آفرینش‌های هنری آستان قدس، ۱۳۷۳.
 - ۸ - مجید فیاض، عبدالمجید، از باغ قصر تا قصر آرزوها، خاطرات سیاسی یک عضو سابق حزب توده و صاحب امتیاز روزنامه هیرمند خراسان، تهران، انتشارات کویر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
 - ۹ - یادنامه ابوالفضل بیهقی، مجموعه سخنرانی‌های مجلس بزرگداشت ابوالفضل بیهقی، با تجدیدنظر، حروف چینی جدید، مقدمه، نمایه و ترجمه مقالات انگلیسی به کوشش محمدجعفر یاحقی، چاپ چهارم، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۸.
 - ۱۰ - یادنامه علامه امینی، مجموعه مقالات تحقیقی، به اهتمام دکتر سیدجعفر شهیدی و محمدرضا حکیمی، تهران، انتشار، ۱۳۵۲.
 - ۱۱ - یوسفی، غلامحسین، «یادی از استاد فیاض»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، (یادنامه شادروان دکتر علی اکبر فیاض)، س هفتم، ش چهارم، زمستان ۱۳۵۰.
- 12- Jalal Matini, "Fayyaz, Ali Akbar", Encyclopaedia Iranica Vol. IX, New York, 1999